

Sahib b. Abbād

14519. e. 115

IBN 'ABBĀD (Ismā'īl), called al-ŠĀHIB

Cafer b. Ahmed

al-BUHLŪLĪ (Ja'far ibn Ahmad)

شرح قصيدة

الصاحب بن عباد
في أصول الدين

Sharḥ Kaṣīdat al-Šāhib ibn 'Abbād fi usūl al-dīn. [A commentary on Ismā'il ibn 'Abbād's verse formulation of the principles of Islam. Edited by Muhammad Ḥasan Al Yā-Sīn.]

pp. 132; pl. 5.

al-Maktabat al-Ahliyah: Baghdad, 1967.

8°

92-966250

- Cafer b. Ahmed

Bahlūlī, Ja'far ibn Ahmad, d. 1177 or

8.

(Rawḍah al-bahīyah fī al-masā'il al-pardīyah)

الروفة البهية في المسائل المرصية :
شرح نكت العبادات / تكليف شمس الدين
جعفر بن أحمد بن أبي يميني عباد
السلام. - الطبعة 2. - منعاء : مكتبة
اليمن الكبرى، 1987.

422 p. ; 25 cm.

Bahlūlī, Ja'far ibn Ahmad, d.

1177 or 8. Mukat al-Jamal.

CC-0
1995

طبقات فقهائنا الراشدين

تأليف

عُمر بن علي بن سمة الجعدي

بتحقيق

فؤاد سيّد

أمين المخطوطات بدار الكتب المصرية

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi	
Keyf:	6431
Tasnif No.:	022-375 CAD-T

دار القلم
بيروت - لبنان

- ١٨١ -

وأضاف رحمه الله إلى ما ذكره في «الانتصار» من مسائل القدرية، منذهب الأشعرية والرد عليهم، فأجحف فيه على الأشعرية، وقطع حلوقهم، وأخضعهم، خصوصاً بذلك من يقول «ما أنزل الله على بشر من شيء»^(١) فصرح الفقهاء بكتاب «الانتصار» وانسجوه^(٢)، ودانوا الله به واعتقدوه، وصنّف يذى أشرق، كتابه المشهور «بجواب الوسيط»، ومختصراً من إحياء علوم الدين للإمام التزالي رحمه الله، وجمع هو وأصحابه «صحيح البخاري» و«سنن أبي داود» يذى أشرق، سنة خمس وخمسين وخمسة [١٤٥] على الشيخ الحافظ علي بن أبي بكر ابن حجر بن عسقلان بن فضل الممداني، بقراءة ولده القاضي الأجل طاهر بن يحيى، والفقهاء الفضلاء: أحمد بن إسماعيل بن حسين المأزني^(٣)، وعبد الله بن عمر التباعي^(٤)، وسليمان بن فتح بن مفتاح^(٥).

وفي الإمام يحيى بن أبي الخير يقول الشاعر:

لله شيخ من بني عمرانٍ مذ كان شاد العلم بالأركان^(٦)
يحيى لقد أحيا الشريعة هادياً بزوائد^(٧) وغرائب وبيان
هو درة اليمن الذي ما مثله من أول في عصرنا^(٨) أو زمان

فأيد الله سبحانه وتعالى بهذا الشيخ الإمام يحيى بن أبي الخير الإسلام والدين

(١) الأنعام: ٩١.

(٢) جوب: وتاسجوه.

(٣) ج: للزاني (تصحيح) وستأني ترجمته فيما بعد.

(٤) ج: التباعي (تصحيح) وستأني ترجمته ص ١٨٩.

(٥) ستأني ترجمته ص ١٩٤.

(٦) عند السبكي: قد سادنا بالعلم بالأركان. وعبد الجندي: قد كان...

(٧) عند السبكي: بزوائد (بحريف).

(٨) عند السبكي: في عمراننا.

- ١٨٠ -

وكان وژده أكثر زمانه في صلاة الليل بسبح القرآن^(١)، وكان رحمه الله يحب طلبة العلم والفقهاء واجتماعهم، ويكره لهم الخوض في علم الكلام. ثم صنّف رحمه الله [١٤٤] في خلال هذه المدة، كتاب «الانتصار في الرد على القدرية الأشعرية»^(٢) وذلك سبب فتنة أمارها قاضي الزيدية، هو جعفر بن أحمد بن عبد السلام^(٣) بن أبي يحيى المعزلي، في مدينة إربل، ويقال إنه خال للناظر، فبحث إليه الإمام يحيى بن أبي الخير، الفقيه الفاضل المشهور علي بن عبد الله ابن عيسى بن أيمن المرسي^(٤)، فاجتمعوا في حصن شواحط، حماة الله وعمره بالصالحين من عبادته، وكان لم فيه محفل عظيم مشهور، سنة أربع وخمسين وخمسة،

(١) العبارة عند السبكي: «وكان ورد في الليلة أكثر من مائة ركعة بسبح من القرآن العظيم».

(٢) من هذا الكتاب نسختان بدار الكتب المصرية إحدىهما (رقم ٨١٨ علم الكلام) كتبت سنة ٧٠٧ هـ. والأخرى رقم ٨٣٥ علم الكلام. وعنوانه «الانتصار في الرد على القدرية الأشعرية» جاء في مقدمته أنه ألفه عندما علم أن قاضي الزيدية معزلياً لقبه خمس الدين [هو القاضي جعفر بن أحمد بن عبد السلام] قدم إلى «إربل» وأظهر القول فيها «بأن العباد مخلوقون أقصاهم وأن القرآن مخلوق وغير ذلك من مذاهبه». ودعا الناس إلى ذلك وسأل الناس الناظر من أهل السنة، فأجاب عليه المعزلي برسالة ذكر فيها الأخبار للرد عن النبي صلى الله عليه وسلم بالتحذير من القدرية فلما رأى القاضي خمس الدين هذه الرسالة، صنّف في الرد عليها كتاباً سماه «الذم على الناظر من مذاهب الخنازل». فلما اطلع عليه المعزلي صنّف في الرد عليه هذا الكتاب «الانتصار».

(٣) شيخ علماء الزيدية في عصره، برع في الفقه والحديث وعلوم الكلام، وصنّف كثيراً من المؤلفات. وكان قد سافر إلى العراق وتفقّه على شيوخها ثم عاد إلى اليمن بالكثير من مصنفات أهل العراق ومن كتب المعزلة توفي سنة ٥٧٣ (مخطقات الزيدية لائحة ٢٨).

(٤) ستأني ترجمته فيما بعد.

کارل بروکلمان به بعضی از مؤلفات وی در کتابخانه‌ها اشاره می‌نماید. اسماعیل پاشا بغدادی در کتاب *خود هدیه العارفین* وفات وی را به غلط سال ۷۰۰ ق ذکر نموده است. تمامی فهرست نگاران و شرح حال نویسان تاریخ وفات او را سنه ۵۷۳ ق ضبط کرده‌اند. وی دارای مؤلفات نافع و گرانقدری است و نسخه‌های بسیاری از آنها امروز در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی اروپا و یمن محفوظ است. از مشهورترین مؤلفات وی کتاب *ایات المناهج فی نصیحة الخوارج*، در رد بر خوارج نسخه مورخه ۹۵۲ ق به شماره ۲۱۱۴ در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء موجود است؛ *ایضاح المنهاج فی فوائد المعراج*. نسخه مورخه ۶۶۹ ق در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء به شماره ۷۷۴ ق موجود است؛ کتاب *تقسیم المائل و تعلیم الجاهل*؛ کتاب *تیسیر المطالب من امالی ابی طالب* (طبع بیروت، مؤسسه اعلی، ۱۳۹۵ ق)؛ کتاب *حدائق الازهار فی مستحسن الاجویه و الاخبار*، در ادب و فنون بلاغت. نسخه مورخه ۱۱۹۰ ق به شماره ۲۰۰۸ در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء موجود است؛ کتاب *خلاصه الفوائد* در عقائد در نقض بعضی از مشایخ حنبلیه در شش باب (طبع بیروت، ۱۴۱۰ ق، به تحقیق اسماعیل بن ابراهیم الوزیر)؛ کتاب *الدامغ للباطل* عقائد در رد بر حنابله و تنزیه باری تعالی از ظلم و جور؛ کتاب *الدلائل الباهرة فی المسائل الظاهرة* در علم کلام، نسخه قرن هشتم در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء به شماره ۶۴۷ ق موجود است؛ کتاب *قواعد التقویم*؛ کتاب *النقض علی صاحب المحیط* در عقاید و اثبات امامت زیدیه. نسخه مورخه ۶۰۵ ق در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء به شماره ۵۵۴ موجود است؛ کتاب *نکت العبادات و جمل الزیادات* در فقه زیدیه. نسخه قرن یازدهم هجری به شماره ۶۴۳ در کتابخانه الجامع الکبیر صنعاء موجود است.

منابع: الاعلام، ۱۲۱/۲؛ معجم المؤلفین، ۱۳۲/۳؛ مؤلفات الزیدیه، ۲۲/۱ به بعد؛ تراجم الرجال، الجناری، ۹-۱۰؛ هدیه العارفین، ۲۵۴/۱-۲۵۴.

شهیدی صالحی

تمیمی، [= تمیمی نیشابوری]، شیخ علی بن ابی الحسن تمیمی نیشابوری (زنده در ۵۳۳ ق) از شیوخ علمای حدیث و فقهای شیعه. فقه و حدیث را از پدرش از ابی علی بن شیخ الطائفه و ابی الوفاء عبدالجبار و دیگران فراگرفت و به مقام عالی اجتهاد نائل گردید و از طرق مشایخ حدیث علمای شیعه است. جمع کثیری از علمای امامیه از محضر او بهره‌مند شده و از او نقل حدیث می‌کنند. صاحب ترجمه از طبقه سید ضیاءالدین راوندی و قطب‌الدین راوندی و ابن شهر آشوب مازندرانی است که در مؤلفات خویش از صاحب ترجمه نقل حدیث کرده‌اند. وی از سلسله‌های علمی مشهور بنی تمیمی در نیشابور است (= بنی تمیمی). اعلی جد او

تمیمی، شیخ رکن‌الدین ابوالحسن علی تمیمی نیشابوری سبزواری معروف به تمیمی (زنده در ۵۲۹ ق) از طرق حدیث و علمای امامیه و متکلمین شیعه. مقدمات علوم اسلامی و فقه و حدیث را از پدرش و ابوعلی بن شیخ الطائفه شیخ طوسی فراگرفت. از جمعی از محدثان برجسته شیعه اجازه روایت دارد و نقل روایت می‌کند، از جمله ابوبکر عثمان بن اسماعیل و امام احمد بن علی مقری و ابوالوفاء عبدالجبار مقری رازی. جمع کثیری از بزرگان شیعه و اعظام علمای امامیه در حوزه او پرورش یافته‌اند و در کتب و مؤلفات خود از صاحب ترجمه نام برده‌اند. از مشهورترین آنها رشیدالدین ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ق) که در کتاب خود *المنتقب* وی را نام برده و از وی روایت نقل کرده است و امام قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله راوندی (م ۵۷۳ ق) و سید ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی که در مؤلفات خویش از وی نقل حدیث نموده‌اند. شیخ علی بن محمد تمیمی صاحب *نخبة الآخرة*، و شیخ علی بن محمد تمیمی صاحب کتاب *مئیة الداعی و غنیة الواعی* که از منابع مهم شیعه است، هر دو حنفی و هستند. سید ابن طاووس در کتاب *خود/مان الاخطار* از وی روایت کرده و اسناد آن به صاحب ترجمه منتهی می‌گردد. همچنین اسناد مؤلفات کفعمی؛ و میرزا عبدالله افندی روات آن را در کتاب *ریاض العلماء* یاد کرده است. خاندان او از سلسله‌های علمی بنی تمیمی در نیشابور هستند (= بنی تمیمی) که جمعی از فحول علمای شیعه از آن برخاسته‌اند. پدرش از شاگردان شیخ طوسی بوده و برادرش ابوالحسن محمد تمیمی - که با او در مشایخ شریک است - از اکابر علمای نیشابور بود.

منابع: *امل الآمل*، ۲۰۲/۲؛ *تنقیح المقال*، ۲۹۵/۲؛ *جامع الرواة*، ۵۸۹/۱؛ *التقات العیون فی سادس القرون*، ۱۹۶-۱۹۷؛ *الذریعة*، ۲۰۲/۲۳؛ *ریاض العلماء*، ۱۱۱/۴؛ *الفهرست*، منتجب‌الدین، ۷۶؛ *معجم رجال الحدیث*، ۱۲۹/۱۲.

شهیدی صالحی

Carlo L. Ahmed

تمیمی، شیخ شمس‌الدین جعفر (م ۵۷۳ ق) فرزند احمد تمیمی بهلولی ابن‌اوی سناعی از علما و مجتهدان شیعه زیدی وی از قبیله بنی تمیم از قبائل معروف شیعه است (= بنی تمیم، دائرة المعارف تشیع، ۴۵۴/۳). جمعی از مشاهیر علمای امامیه از این تبار برخاسته‌اند. تمیمی علوم اسلامی و فنون عقلی را از مشایخ عصر خویش فراگرفت و در اکثر علوم عقلی و نقلی مخصوصاً در کلام و احتجاج پیشرفت شایانی کرد و نیز در اکثر موضوعات و علوم از خود آثار و مؤلفاتی باقی گذاشته است. صاحب *مؤلفات زیدیه* بیش از پنجاه عنوان از مؤلفات او را ضبط کرده است و نیز

الحق يحيى بن حسين رَسَى (متوفى ۲۹۸) و مكتب معتزلة بغداد، خاصه آرای ابوالقاسم بلخی (متوفى ۳۱۹) پیروی می کردند. گروه دیگری از عالمان زیدی یمن، در عقاید کلامی، متأثر از معتزله بصره بودند. اختلاف در مسائل کلامی میان دو مكتب معتزلی بصره و بغداد از اواخر قرن چهارم و اواسط قرن پنجم، به انشقاق جامعه زیدیه به دو گروه مُطَرَفِیَه و مُخْتَرَعَه انجامید (← ایمن فؤادسید، ص ۲۴۱-۲۴۲). اهمیت قاضی جعفر، به سبب حمایت مؤثر وی از مخترعه است.

شريف مکه، علی بن عیسی حسنی مشهور به ابن وهّاس (متوفى ۵۵۶)، از زیدین حسن بیهقی بَرُوْقِنِی (متوفى ۵۵۱)، عالم زیدی برجسته ایرانی، دعوت کرد تا به یمن رود و با ترویج آرای کلامی معتزله بصره - که در میان زیدیه ایران رواج داشت - زیدیه مخترعه را در مقابله با مطرفیه یاری کند (شَهَارِی، قسم ۳، ج ۲، ص ۷۷۵؛ نیز ← ابن فند، ج ۲، ص ۷۵۰-۷۵۱؛ شَهَارِی، قسم ۳، ج ۱، ص ۴۵۰). بروقنی در جمادی الاولی ۵۴۱ به صعده رسید (شَهَارِی، قسم ۳، ج ۱، ص ۴۴۹) و به تدریس آرای کلامی زیدیه ایران پرداخت. در پی فعالیتهای بروقنی، قاضی جعفر و گروهی از عالمان مطرفیه از آرای کلامی خویش دست کشیدند (← هیمان، قسم ۳، ج ۱، ص ۴۴۷-۴۴۸). در حدود ۵۴۳-۵۴۴، بیهقی تصمیم گرفت به عراق بازگردد و قاضی جعفر نیز او را همراهی کرد. با مرگ بیهقی در تهامه و در محلی به نام سیحار، قاضی جعفر خود به تنهایی به سفر ادامه داد (← هیمان، قسم ۳، ج ۱، ص ۴۴۸).

قاضی جعفر در ذیحجه ۵۵۰ در مکه از عالم زیدی، ابن وهّاس، اجازه روایت برخی از آثار زیدیه را گرفت (← هیمان، قسم ۳، ج ۲، ص ۷۷۴). حضور عالمان زیدی در مناطق جبال، به ویژه ری، باعث شد تا قاضی جعفر به آن مناطق سفر کند و در ۵۵۲، در ری از عالم نامدار زیدیه، ابوالعباس احمد بن ابی الحسن بن علی کنی (متوفى ۵۶۰)، اجازه روایت آثار زیدیه را بگیرد (همان، قسم ۳، ج ۱، ص ۱۰۸؛ نیز ← جعفر بن احمد، مقدمه کبسی، ص ۱۰). ابراهیم بن قاسم شَهَارِی (متوفى ۱۱۵۲؛ قسم ۳، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵) اجازه روایت کتاب الزیادات اثر المؤید بالله احمد بن حسین هارونی (متوفى ۴۱۱)، امام زیدی، را که کنی به قاضی جعفر داده بود به طور کامل نقل کرده است. قاضی جعفر بعد از سفر به نواحی دیگر و تلمذ نزد عالمان زیدیه (← جعفر بن احمد، مقدمه کبسی، ص ۱۱-۱۲)، در ۵۵۲ به یمن بازگشت و در مدرسه خود در سناخ به تدریس پرداخت (← ابن فند، ج ۲، ص ۷۷۱). فعالیتهای او مخالفت مطرفیه را برانگیخت و سرانجام، خصومت میان آنان با دخالت امام زیدی، احمد بن سلیمان (متوفى ۵۶۶)، به نفع قاضی جعفر پایان یافت (← همان، ج ۲، ص ۷۷۲-۷۷۴؛ ایمن فؤادسید، ص ۲۶۶).

[قاهره] ۱۲۵۱-۱۲۵۸؛ ابن هشام، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ایبازی، و عبدالحفیظ شلبی، قاهره ۱۹۳۶/۱۳۵۵؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبيين، چاپ کاظم مظفر، نجف ۱۹۶۵/۱۳۸۵؛ چاپ افست قم ۱۴۰۵؛ احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیه الاولیاء و طبقات الأصفیاء، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷؛ همو، معرفة الصحابة، چاپ محمد حسن محمد حسن اسماعیل و مسعد عبد الحمید سعدنی، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ احمد اقتداری، دیار شهریاران، [تهران] ۱۳۵۳-۱۳۵۴ ش؛ امین؛ محمد بن اسماعیل بخاری، کتاب التاریخ الکبیر، [بیروت] ۱۴۰۷/۱۹۸۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، چاپ محمد باقر محمودی، بیروت ۱۹۷۴/۱۳۹۴؛ علی بهادلی، مؤتة: عراقه الماضی و روح ذی الجناحین، المنهاج، سال ۱، ش ۴ (شاه ۱۴۱۷)؛ جمیل ابراهیم حبیب، القول الجازم فی نسب بنی هاشم، بغداد ۱۹۸۷؛ حسان بن ثابت، دیوان، چاپ ولید عرفات، لندن ۱۹۷۱؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، چاپ مصطفی نجیب فواز و حکمت کثلی فواز، بیروت ۱۹۹۵/۱۴۱۵؛ همو، کتاب الطبقات، روایة موسی بن زکریا تستری، چاپ اکرم ضیاء عمری، بغداد [۱۹۶۷]؛ محمد بن احمد ذمبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، السیره النبویه، بیروت ۱۹۸۹/۱۴۰۹؛ المغازی، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ همو، سیر اعلام النبلاء، چاپ شعیب أرنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۹-۱۴۰۱/۱۹۸۱-۱۹۸۸؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ قلشندی؛ محمود شیب خطاب، القادة الشهداء فی مؤتة من قادة النبی صلی الله علیه وسلم، مجلة المجمع العلمی العربی، ج ۳۵، ش ۲ (رجب ۱۴۰۴)؛ علی خان بن احمد مدنی، الدررجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، قم ۱۳۹۷؛ مسعودی، مروج (بیروت)؛ یحیی بن شرف نووی، تهذیب الاسماء و اللغات، مصر: ادارة الطباعة المنیریة، [بی.تا.]. چاپ افست تهران [بی.تا.]. احمد بن عبد الوهاب نویری، نهاية الأرب فی فنون الادب، قاهره [۱۹۲۳]. ۱۹۹۰؛ محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی للواقدی، چاپ مارسلن جونز، لندن ۱۹۶۶؛ یاقوت حموی؛ یعقوبی، تاریخ.

/ ستار عودی /

جعفر بن احمد، متکلم و محدث و فقیه زیدی اهل یمن در قرن ششم، مشهور به قاضی جعفر. لقب و نسبت او را شمس الدین بهلولی اَبانوی مشهوری ذکر کرده اند. اجداد و پدر وی در دوران حکومت صلیحیان و بنو حاتم، از قضات اسماعیلی صنعا بودند. برادرش، یحیی بن احمد (متوفى ۵۶۲)، حاکم عدن و در خدمت زُرعیان * اسماعیلی بود (د. اسلام، چاپ دوم، تکملة ۴، ذیل «جعفر بن ابی یحیی»؛ نیز ← ابن فند، ج ۲، ص ۷۶۹). در منابع زیدی شرح حال سالهای اولیه زندگی قاضی جعفر نیامده، ظاهراً به این دلیل که وی در آن دوره اسماعیلی بوده است. مشخص نیست که قاضی جعفر در چه تاریخی به زیدیه گرویده است.

در زمان قاضی جعفر، زیدیه به دو گروه عمده تقسیم می شدند: برخی از عالمان زیدی یمن از عقاید کلامی الهادی الی

تیراندازی ← رمایه

تیرفروش [تهرانی نیاکی=تهرانی لاریجانی] سید محمد علی (۱۳۲۱ق) فرزند سید مهدی حسینی تهرانی نیاکی لاریجانی معروف به تیرفروش، حکیم متأله و عارف ربانی و اهل فتوی و از اجلاء علمای تهران در عصر خویش. پس از اخذ مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب، فقه و اصول و حکمت و فلسفه و عرفان را از حوزه درس میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی (۱۲۹۴ق) در قزوین و تهران فراگرفت و به مرتبه اجتهاد نائل گردید. در مدرسه و مسجدی که خود بنا نموده بود، در محله پامنار تهران به تدریس پرداخت و جمعی از افاضل طلاب علوم دینی در حوزه درس او گرد می آمدند و از محضر وی بهره مند می گشتند. شیخ آقابزرگ تهرانی در طبقات/اعلام الشیعه درباره او می نویسد: «...معروف به تیر فروش عالم ثقه و فقیه پرهیزگار، از رجال اهل فضل... در مدرسه کوچک خویش در محله پامنار تهران به تدریس مشغول بود و در مسجد همان مدرسه به امامت اشتغال داشت و نیز در ارشاد و وعظ مردم کوشا بود مخصوصاً در شبهای ماه مبارک رمضان مجلس و منبری پررونق داشت و یکی از اوتاد روزگار بود و اهل ورع و احتیاط و صلاح و تقوی. هرگز از وجوه شرعیه ارتزاق نکرد و از بهره تجارت که وکلانی در اداره آن از طرف خود تعیین نموده زندگی خویش را اداره می نمود و از مال خاص خویش مستطیع گردید و به حج در سال ۱۳۲۰ نائل گردید...» (تقیاء البشر، ۱۵۴۴/۴). میرزا محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب خویش که در حیات صاحب ترجمه به چاپ رسید از او یاد کرده است. از آثار و مؤلفات او کتاب آیات الائمة تفسیر آیات متعلق به امامت ائمه معصومین (ع) (تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۶ق) کتاب عاقبت بخیر (تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۴ق) و سایر کتب او به صورت خطی نزد دخترش که تنها وارث او بود موجود است.

منابع: الذریعة، ۴۰۱؛ معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الامامیة، ۵؛ المآثر والآثار، ۱۵۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، خانابامشار، ۴۲۴؛ تقیاءالبشر فی القرون الرابع عشر، ۱۵۴۴-۱۵۴۵.

شهیدی صالحی

Cafer b. Ahmed

تیسیر المطالب من امالی ابی طالب، کتابی در حدیث از کتب شیعه زبده به زبان عربی تألیف شیخ شمس الدین جعفر (۵۷۳ق) فرزند احمد بن عبدالسلام تمیمی بهلولی سناعی از علما و مجتهدین زبده. مؤلف در این کتاب احادیث کتاب (الامالی) تألیف امام ابی طالب یحیی بن الحسین هارونی دیلمی (۴۲۴ق) را در باب معجزات پیغمبر اکرم (ص) و فضائل و شمائل وی و همچنین فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)

اندازد تا بدانجا که مرگ را بر زندگی اختیار کند. این گونه عمل کردن را تهوّر می خوانند و عمل کننده را متهوّر می نامند که این گونه عمل کردن شجاعت نیست و خود را به دست خود در خطر افکندن فضیلت به شمار نمی آید که حق فرموده است: «لا تُلقُوا بِأیدیکم الی التَّهْلُکة» (بقره، ۱۹۵). به همین سبب است که خواجه نصیر در تعریف تهوّر می گوید: «اقدام بود به آنچه اقدام کردن بر آن جمیل نباشد». چنانکه انحراف از فضیلت شجاعت به سوی تفریط هم که عبارت است از حذر کردن و ترسیدن و پرهیز کردن از آنچه پرهیز کردن و ترسیدن از آن روا نیست رذیلت به شمار می آید و از آن به جبین تعبیر می شود (← اخلاق، جبین، شجاعت).

منابع: اخلاق ناصری، ۱۱۹؛ درة التاج، ۹۲؛ نفایس الفنون، ۳۷۶-۳۷۵/۲؛ اخلاق عالم آرا، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۳۶. اصغر دادبه

تیران، شهر (جمعیت در ۱۳۶۳ ش ۱۰۵۰۰ نفر)، مرکز بخش کرون، شهرستان نجف آباد، استان اصفهان. تیران در ۵۱ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی و در ۲۲ کیلومتری مغرب نجف آباد و ۴۸ کیلومتری اصفهان قرار دارد. هوای آن در مستان سرد و در تابستان معتدل است و آب آن از کاریز و رود به دست می آید. مهمترین رودی که در منطقه جاری است رود مرغاب است که از کوههای داران سرچشمه گرفته پس از آبیاری کردن جلگه نجف آباد به زاینده رود می ریزند. بخش کرون ناحیه ای کشاورزی است و از مهمترین فرآورده های کشاورزی آن غلات، حبوبات، بادام، گیاهان علوفه ای و انگور را می توان برشمرد. تیران تا ۱۳۵۹ ش مرکز دهستان کرون بخش حومه شهرستان نجف آباد بوده است. اما در فروردین ماه ۱۳۵۹ ش به تصویب شورای انقلاب دهستان کرون به نام بخش کرون نامیده شد و شهر تیران مرکز آن تعیین گردید. تیران دارای شبکه آب لوله کشی، برق و تلفن است. در ۱۳۶۳ ش شهر تیران دارای ۱۳ مدرسه بوده که رویهم رفته ۲۲۸۱ دانش آموز در آنها درس می خواندند، همچنین در این سال ۵ مسجد و یک کتابخانه با ۶۰۳۲ کتاب داشته است. بخش کرون دارای ۴۸ آبادی است که مهمترین آنها آب گرم، احمدرضا، اران، اسفیدواجان، افجان، الور، بودان، جعفرآباد، خمران، میرآباد است. در کوههای ناحیه کروه کانهایی چون سرب و روی وجود دارد و بخشی از نیروی کار ناحیه در کارکان کنی است. بیشتر مردم تیران مسلمان و پیرو مذهب شیعه هستند، اما اندکی ارمنی نیز در این شهر زندگی می کنند.

منابع: جغرافیای کامل ایران، ۳۳۶/۱؛ اصفهان، لطف الله هنرفر، ۵۴-۵۵؛ دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران، ۹۳۱؛ شناسنامه شهرهای کشور، ج ۱۲، استان اصفهان. حسن انوشه

للشيخ
* نشوان بن سعيد الحميري المتوفى ٥٧٣ (لغة)

- التذكرة في أحكام الجواهر والاعراض خ ذكره سترستين في مقاله عن نشوان .
- صحيح الاعتقاد وصريح الانتقاد .
- التبصير في الدين .

* جعفر بن عبد السلام :

جعفر بن احمد يحيى بن عبد السلام . أحد كبار علماء اليمن وشيخ الزيدية في وقته كان من أنصار الامام المتوكل على الله احمد بن سليمان وأدرك عصر الامام عبد الله بن حمزه وقد رحل إلى العراق لطلب العلم وبعد عودته من العراق تصدى للتدريس بقرية سناع وناهض أتباع المذهب المطرفي ثم انه رحل إلى مدينة أب بقصد مناظرة العلامة يحيى بن أبي الخير العمراني في بعض المسائل الاعتقادية فلم يتم له ذلك . توفي سنة ٥٧٣ هـ .

مطلع البدور . طبقات الزيدية رجال الأزهار ٩ .

- المسائل العشر التي فيها الخلاف بين الشيعة وما شاع بينهما لاجلها من المباحدة والقطعية خ القرن الثامن جامع مصورة بمعهد المخطوطات ٢١٥١ .

hadis
Jibuh
kelam

- نظام الفوائد وتقريب المراد للرائد . « أمالي » خ ١٣١٣ في ٥٠ ق جامع ٢٨٧ حديث .

✓ - الصراط المستقيم في تمييز الصحيح من السقيم « في موضوع الفرق بين الزيدية والمذهب الاثنا عشري » خ القرن الثامن عن نسخة بخط المؤلف جامع كتب المدرسة .

kelam - خلاصة الفوائد خ المدرسة الشمسية بدمار أخرى خ ٨٢٢ جامع ٧٥١ كلام .

✓ - الدلائل الباهرة . خ جامع ٦٤٧ كلام .

✓ - رسالة في الرد على المطرفية خ في القرن الثامن جامع مصور بالجامعة العربية ٢١٥٣ .

✓ - النقض على صاحب المجموع المحيط بالتكليف فيما خالف فيه الزيدية في باب الامامة خ

٦٠٥ جامع ٥٥٤ كلام . مصورة بمعهد الجامعة العربية ٣٦٦ .

- الفاصل بالدلائل بين أنوار الحق وظلمات الباطل خ جامع المكتبة الغربية ٣٢ مجاميع .

✓ - إبانة المناهج في نصيحة الخوارج خ ١٠٦٩ دار الكتب المصرية ٢٥٤ أخرى بالمدرسة

الشمسية . ثالثة جامع في سنة ٦٣٣ برقم ٢٩٩ .

✓ - المسائل القاسمية (حول مذهب الامام القاسم بن ابراهيم) خ المدرسة الشمسية بدمار

مصورة بمعهد الجامعة العربية .

- الاحياء على شهادة الاجماع . خ المدرسة الشمسية مصورة بمعهد الجامعة .

في أول أمره يرى رأي المَطْرِفِيَّة (6) « وكان سبب دخوله العراق ما حصل باليمن من الافتراق بين الزيدية الأولين والهادوية المتأخرين (7) ، وما حصل أيضا بين الشافعية في اليمن الأسفل من الاختلاف بين عقائد الحنابلة والأشاعرة فيما بين الشافعية . فلما وصل القاضي جعفر إلى العراق لم يجد إلا مذاهب المعتزلة منتشرة فيه وبراق من بقي من الزيدية هنالك قد صاروا على عقائد المعتزلة ، فأخرج معه كتب المعتزلة إلى اليمن ، وبعض كتب الامالي في الحديث المسندة كامالي أبي طالب وامالي السيد المرشد بالله ونحو ذلك من الكتب . وقرأ على المعتزلة هنالك من البهشية وخرج إلى اليمن يحتج بذلك على المَطْرِفِيَّة من الهادوية ، وينظرهم في مذاهبهم التي اعتقدوها » (8) وهو أول من أخرج كتب المعتزلة من العراق إلى اليمن ، وكان ذلك سنة 554 هـ ولم تعرف في اليمن قبل إخراجها لها (9) .

وقد رجع القاضي جعفر عن مذهب المَطْرِفِيَّة ، بعد ان اتصل بأحد علماء الزيدية الكبار من العراق وتلمذ عليه وهو الفقيه زيد بن الحسن البيهقي البروقي (10) المتوفى سنة 543 هـ (9) الذي وصل إلى اليمن باستدعاء السيد عَلَيَّ بن عيسى الصنبي السليماني (11) لما اشتدت حركة المَطْرِفِيَّة منافحا ضدهم ومدافعا عن الزيدية . وقد كان قدم إلى الامام احمد بن سليمان كتاب

(6) فرقة من الزيدية الغلاة تنسب إلى شيخها مطرف بن شهاب . ضرت في النصف الثاني من القرن الرابع الهجري ، وقويت شوكتهم في عهد المنصور بالله عبد الله بن حمزة الذي حاربهم وخرب مساجدهم ، ولم يبق منهم بعد عهده سوى شذمة قليلة (راجع ائمة اليمن 1 : 135 - 136) . ووضع المحقق بحثا مستفيضا عن هذه الفرقة لم ينشر بعد .

(7) الزيدية الاولون هم : البترية والجريزية والجارودية (الصور العين ص 155) . والزيدية المتأخرون هم المَطْرِفِيَّة والمخترة والصينية .

(8) طبقات الزيدية ليحيى بن الحسين ورقة 64 .

(9) نفس المصدر ورقة 65 . وفي ترجمته لعبد الله بن علي العيسى انه جاء من بلاد الجبل والدليم يكتب من كتب الزيدية والمعتزلة سنة احدى وخمسمائة .

(10) ترجمته في طبقات الزيدية لابراهيم بن القاسم ورقة 45 .

(11) هو علي (بالصغير) بن عيسى بن حمزة بن وهاس ... الصنبي اقام فترة بمكة وكان رأس الزيدية بالحرمين ثم انتقل إلى اليمن ، كان عالما شاعرا فاضلا جوادا . وقد صنّف له العلامة الزمخشري كتابه « الكشاف » ، وتوفي سنة 556 هـ . (العقد الثمين للفاسي 6 : 217 - 221) .

فالملاحظ ان الكثير مما اورد مؤلفو كتب الفرق الاسلامية من اقوال المعتزلة صحيح في مجموعها ، ومنقول من مقالاتهم فعلا . الا انهم - او بعضهم - وقفوا بالنقل عند عبارات لها بقية وتكلمة . او ان فيها شططا اخذه عليهم رجال مذهبهم وناقشوه فيه وردوه عن ووضحوا وجه الصواب فيه . وجدلا يتمرض له المناقلون لان قصدهم تشويه اقوال المعتزلة ونقضها ، وان كان مادتهم في ذلك من كلام المعتزلة انفسهم (2) .

وقد حفظت لنا مكاتبات اليمن الكثير من مؤلفات المعتزلة . ويرجع الفضل الأكبر في احتفاظ اليمن بهذا التراث إلى الامام المنصور بالله عبد الله ابن حمزة بن سليمان (3) المتوفى سنة 614 هـ ، أحد ائمة الزيدية المجتهدين ، وصاحب المصنفات المعيرة في فقه الزيدية وعقائدهم ، فقد كان هذا الامام من العلماء الأفاضل بذل جهدا كبيرا في جمع الكتب واستنساخها من خارج اليمن ، وخاصة مؤلفات المعتزلة فإن أكثر ما هو موجود الآن في مكتبة صنعاء من كتب هذه الفرقة ، يسود الفضل في جمعه واستنساخه إلى هذا الامام الذي كان له نشاط كبير في الدعوة الزيدية . وأرسل دعواته إلى خارج اليمن لاستجلاب الكتب والمصنفات التي توافق مذهب الزيدية وعقائدهم تماما لما بداه الامام المتوكل على الله احمد بن سليمان (4) المتوفى سنة 566 هـ ، الذي خرجت في عصره كتب المعتزلة من العراق إلى اليمن على يد أحد أعوانه الافذاذ من العلماء العاملين ، وهو القاضي جعفر بن احمد بن عبد السلام (5) شيخ الزيدية ومتكلمهم ومحدثهم في عصره ، وقد كان

(2) انظر مثالا لذلك « انفرق بين الفرق » للبيدادي ص 99 وقارنه بما اورد البلخي

هنا ص 67 اسفله

(3) ترجمته في : ائمة اليمن 1 : 108 - 143 ، مطلع البدور - مخطوط دار الكتب - 1 : 188 الاعلام 4 : 213 ، معجم المؤلفين 6 : 50 ، 701 ، SI ، (403) ، 509 ، GALI ، وفي مكتبة الفاتيكان سيرة خاصة له تحت رقم 1061 .

(4) ترجمته في : ائمة اليمن لزيارة 1 : 95 - 108 ، تراجم الرجال للحدادري 4 ، الاعلام 1 : 129 ، معجم المؤلفين 1 : 239 ، 699 ، SI ، (402) ، 507 ، GALI

(5) توفي سنة 573 هـ ، انظر ترجمته في : طبقات الزيدية للسيد ابراهيم بن القاسم - مخطوط بمكتبة الامام يحيى بصنعاء ورقة 28 ، طبقات الزيدية للسيد يحيى بن الحسين ورقة 65 ، وابناء الزمن له أيضا ورقة 53 (نسخة دار الكتب رقم 1247 تاريخ)

وأبو القاسم اسماعيل بن أحمد البستي شيخ الزيدية في العراق وتابع
الامام المؤيد بالله أحمد بن الحسين بن هارون ثم الشريف الرضى
والشريف المرتضى وقد كانا يدينان بالتشيع الاثنى عشرى (٤) .

كان الاعتزال الخالص قد خبا وأفل نجمه ليحمل التراث معتزلة
متشيعون أو شيعة معتزلية .

٥ - وبالرغم مما جره معتزلة بغداد على الاعتزال كله من اضطهاد
بسبب اثارهم مشكلة خلق القرآن حيث جاء رد الفعل منذ زمن المتوكل
عنيفا الا أن ميلهم الى التشيع هو الذى أبقى الاعتزال تراثا بعد أن
اندثر كفرقة ، فقد كاد يقضى تماما على فكر المعتزلة لولا تشيع متأخريهم ،
اذ أحرق العامة كتبهم ومصنفاتهم حتى كدنا نفقد كل أثر أو مصنف
لمعتزلى ، كان تيار القضاء على تراث المعتزلة في القرنين الخامس والسادس
في العراق موطن الاعتزال جارفا لولا أن تسربت بعض كتب المعتزلة
من العراق الى اليمن على يدى القاضى جعفر بن أحمد بن عبد السلام
(ت ٥٧٣ هـ) شيخ الزيدية ومتكلمهم في اليمن ، كان خلافا قد حدث
في اليمن زمن امامهم المتوكل على الله أحمد بن سليمان بين الزيدية وبين
احدى الفرق المنشقة عليها وهى المطرفية ، بعث الامام بداعيته الى
العراق حيث وجد الزيدية مشايخين للمعتزلة بعامه ولأبى هاشم الجبائى
وأبى القاسم البلخى بخاصة ، تتلمذ القاضى جعفر على شيخ الزيدية في
العراق زيد بن الحسن البيهقى ، عاد القاضى جعفر الى اليمن مصاحبا
شيخه البيهقى ليستعين به على فض الخلاف حاملا معه كتب المعتزلة
ليحتج بها على المطرفية ، وكان ذلك عام ٥٤٤ هـ ، ولم تكن اليمن تعرف
قبل ذلك التاريخ كتباً للمعتزلة ، ولما عاد البيهقى الى العراق صحبه القاضى
جعفر لاتمام القراءة على يدى تلميذ البيهقى القاضى أبو الحسن أحمد
بن أبى الحسن الكوفى ، ثم عاد القاضى جعفر بعد ذلك الى اليمن بالعلوم

Al-Muḥīṭ bi'uṣūl al-imāma 'alā maḏāhib az-Zaidiya Ambr. A. 69 (RSO III, 77), angeblich nur ein Cmt. zum *K. ad-Di'āma* des a. 'l-Ḥ. 'A. b. a. Ṭālib A. b. a. 'l-Q. b. A. al-Musta'in billāh, seines Lehrers. Dazu schrieb der Qāḍī Ġa'far b. a. Ya. (st. 573/1177, s. Ambr. A 10, 5) eine Widerlegung, *Naqḍ*, Berl. 10305; desselben *Taqrīb* fasste a. 'l-Q. 'A. al-Ḥimyari al-Bausi (II, 188b) in 550 Ṭawilversen auf *tā* udT *Qanṭarat al-uṣūl* (S. *al-wuṣūl*) *ila 'l-umnīya fī nazm Taqrīb al-uṣūl al-fathīya* zusammen Ambr. A 67, ii (RSO III, 579); desselben *Masā'il al-iğmā'* Ambr. C. 561, iv (RSO VII, 469).

Id. Abu'l-Q. Zaid b. 'Al. b. Masūd *al-Hāšimī*, 5. Jahrh.

Al-Arba'ūn, meist Ermahnungen, mit *aiyuha 'n-nūs* eingeleitet, überliefert von 'A. b. al-Ḥu. al-Ḥasanī an a. Ṭālib al-Ḥ. b. Mahdi al-Ḥasanī as-Sailaqī, daher sie *al-A. as-Sailaqīya* heissen, an Qāḍī Ġa'far b. A. (st. um 500/1106) Br. Mus. Suppl. 1233, ii, Vat. V. 487₂, Cmt. v. al-'Anṣī (No. 5), al-Manṣūr billāh (No. 9), v. A. b. 'A. b. Mirğam aṣ-Ṣau'ānī Ambr. NF 198 xxxi, 285 iii, Vat. V. 987₄, 1197₂.

2. Taqīaddīn 'Al. b. M. b. Ḥamza b. an-Nağm um 560/1165.

Durar al-aḥādīṭ ilḥ. noch Vat. V. 1027₅.

2a. A. b. S. *al-Hādī ila'l-Ḥaqq* al-Mutawakkil billāh wurde 533/1138 Imām der Zaiditen in Yaman und breitete seine Macht durch Kämpfe bei Nağrān aus. Er suchte die Theologie der Muṭarrifiten zu unterdrücken und starb 566/1170.

1. *Uṣūl al-aḥkām fī'l-ḥalāl wal-ḥarām* Ambr. 28, 37, I (A 54, RSO II, 21), 379, C 123 (eb. VIII, 596), D 375, E 17, 254, Vat. V. 1067, 1366, Cmt. v. Ṣārimaddīn Ibr. b. M. al-Wazīr (st. 914/1508, II, 188) Br. Mus. Suppl. 1219, i. — 2. *Ḥaqā'iq al-ma'rifa*, Dogmatik, Ambr. I, 355, i, C 99 (RSO VII, 573), Vat. V. 1112₁, Br. Mus. Suppl. 1219₁. — 3. *az-Zāhir fī uṣūl al-fiqh* Ambr. C 47, iv, (RSO VII, 65). — 4. *al-'Umda ilḥ.* s. bei No. 3. — Andre Werke Berl. 4950, I, 56, Ambr. B 375, E 17.

5. 'Al. b. Zaid *al-'Ansī* um 630/1233.

8. *Al-Irṣād ila't-Taqrīb ila'llāh ta'ālā bil-ḥağğ* Br. Mus. Suppl. 345. — 9. *Ḥadiqat al-ḥikma, ṣarḥ al-Arba'in as-Sailaqīya* (s. I, d) eb. 156.

5a. Al-Qāḍī Šamsaddīn Ġa'far b. A. b. 'Abdassalām b. a. Ya., gest. 570/1177.